

نقد و بررسی تئاتر سقراط (نمایش سقراط) حمیدرضا نعیمی (نسخه PDF)

باز هم من بی هنر و مثلا نقد یک نمایش دیگر! اینبار رفته نمایش سقراط رو دیدم چون اساس به مسائل تاریخی و اینجور چیزها که در قالب تئاتر در میان علاقه زیادی دارم، گفتم مثلا زکریای رازی رو خیلی دوست داشتم و واقعا از اینجور تئاترها میشه درس زندگی گرفت، باور کنید، شوخی نمی کنم! درسته خیلی ها میرن تئاتر برای شوی لباس و رقابت در حوزه عطر و ادکلن که در نهایت سوزش چشم تماشاچی رو نتیجه می ده ولی خوب به عده هم مثل من هستن که میرن تو عمق تئاتر ببین چی ازش برای زندگیشون می تونن یاد بگیرن! مثلا از نمایش زکریای رازی فهمیدم که سن فقط یک عدد هست اگر بخای کاری رو شروع کنی و زکریای رازی مثلا تا ۴۲ سالگی مطرب بود و بعدش شد یکی از بهترین پزشک های زمان خودش! یا مثلا از تئاتر میسیسیپی نشسته می میرد متوجه شدم که سیاست کلا همه چیز رو آخرش درست می کنه!!! (تیکه کلام همایون غنی زاده کارگردان) !!

یا از تئاتر زندگی در تئاتر اثر محمد برهمنی متوجه شدم که همیشه به هر جایی که می رسی، یادت نره چی بودی و چه کسایی برای رسیدنت به این مرحله زحمت کشیدن و احترامشون رو داشته باش، بگذریم شاید الان با خودتون بگید که این که چیزی از هنر نمیدونه و متوجه نمیشه هدف اصلی نمایش چی هست و برداشت عمومی از اون نمایش داشته، خوب اصلش همینه، مگه قراره من مثل دیگران فکر کنم! پس منم از نمایش سقراط خارج از بحث های طبیعی سیاسی که داشت و همیشه در تئاتر هست یک جمله طلایی برای زندگیم برداشتم، کاری که از نمایش های دیگه هم انجام میدم و اون این بود که سقراط (فرهاد آئیش) با اون همه علمش گفت تا اینجا زندگی میدونه که چیزی نمیدونه یا به قول ما همی دانم که نادانم و این توی ذهن من تا ابد ثبت شد و بهش عمل می کنم چون معتقدم آیندم رو با این جمله می تونم بسازم، اما بریم سراغ کلیات نمایش ببینیم ماجرا از چه قرار بود.

محتوا و موضوع کلی نمایش

سقراط یک فیلسوف یونانی هست که در شهر آتن زندگی می کنه، اون به دلیل باورها و البته دانشی که داره از سیاست و اساسا جامعه ثروتمند آتن دوری می کنه و یک فقیر در این شهر محسوب میشه که البته در ادامه متوجه میشید که سقراط می تونست خودش پولدار و ثروتمند و سیاستمدار بشه اما نخواست که بشه، اون یه سری شاگرد و یه سری هوادار داره و اینها خیلی بهش معتقد هستن، سیاسیون شهر آتن از محبوبیت سقراط به شدت عصبانی هستن و همیشه سعی می کنن یه جوری در هر جایی که می تونن اون رو تخریب کنن اما سقراط یک عالم واقعی هست و در همه این مراسم هایی که دعوتش می کنن تا تخریبش کنن براحتی با چند جمله حرفش رو می زنه و کسی نمی تونه جوابش رو بده! بگذریم الان نگید چه برداشت سطحی! خوب کلیات همینجوری هست فعلا توجه کنید، البته اینجوری که من تعریف می کنم از لحاظ عوام دیده میشه ها! هنرمندی نیست! اگه کسی میخاد خلاصه تجارت نمایش و تئاتر داشته باشه این حرف های من بیشتر به دردش میخوره تا حرف های هنرمندی... بگذریم.

سقراط زندگی فقیرانه ای داره، سعی می کنه به هر کسی چیزی یاد بده اما خودش در زندگی با همسر و پسرش مشکل داره! از بس درگیر بحث های فلسفی شده که تقریبا مادیات رو در زندگیش فراموش کرده و این باعث نارضایتی خانوادش شده، در این میان زنی روسپی در شهر آتن هست که به ناچار وارد اینکار شده و علاقه ای که این زن به فلسفه و یادگیری داره برای سقراط جالب هست و به همین دلیل این زن خیلی دوست داره که با سقراط همکلام باشه و ازش یاد بگیره و اکثرا در بحث های فلسفی که بین سقراط و شاگرداش هست این زن هم حضور داره که بعدها بعد از اینکه سیاسیون شهر تصمیم می گیرند که سقراط رو اعدام کنند و برایش دادگاه تشکیل میدن و محکومش می کنن این زن هم از شهر آتن میره و در شهر سیسیل به شغل دیگه ای غیر از روسپی گری مشغول میشه و یه شخصیت جدید میشه که این نشون از این می ده که هر کسی بخاد می تونه آیندش رو تغییر بده، رفتار سقراط با این زن همیشه محترمانه هست و حتی سعی می کنه واژه روسپی رو برای خطاب کردن این زن استفاده نکنه و این برای این زن خیلی با ارزش هست.

سیاسیون شهر آتن که از محبوبیت سقراط بسیار عصبانی هستن و از گفتن حقیقت توسط این شخصیت و محبوبیتش عصبانی هستن تصمیم می گیرن که علیه سقراط شکایت کنن و اون رو به دادگاه بیان و محکومش کنن که در نهایت از مثلا ۵۰۰ نفر اعضای هیئت منصفه با ۲۵۱ رای در نهایت سقراط محکوم میشه! مرگ با جام زهر، تبعید و پرداخت جزای نقدی که در نهایت سقراط مرگ با جام زهر رو ترجیح می ده. بگذریم که نکات خوبی هم در بحث سیاست داره این نمایش که همیشه سیاسیون چشم ندارن کسیکه واقعیت رو می گه رو تحمل

کنن چون محبوب میشه ! سیاست بی پدر مادریه و البته متوجه میشیم که همین مردمی که خیلی معتقد هستن در شهر آتن ، دقت کنید فقط در شهر آتن رو گفتما!!!!!! براحتی روی اعتقاداتشون و علاقتشون به سقراط با یک اتهام پا میزارن و محکومش می کنن ! یعنی کسیکه تا دیروز براشون ارزشمند بوده رو به خاطر اتهام های مسخره و واهی کلا محکوم می کنن ! به جورایی مردم آتن (مجددا تاکید می کنم فقط آتن!!!!!! ، نرید برداشت کنید به وقت جای دیگه رو میگیریم) یا همون عوام اساسا حزب باد هم نیستن ! حزب نسیم هستن ...



در کل نمایش بسیار جذابی هست ، بازی بسیار خوب آقای فرهاد آئیش رو در نقش سقراط خیلی دوست داشتم ، بقیه رو اصلا نمیشناختم فقط اون خانومه که تو زی زی گولو بازی می کرد رو میشناختم (خانم مریم سعادت) البته جسارت نباشه که کارگردان رو هم نمیشناختم چون من اصلا هنری نیستم فقط تازگی یاد گرفتم برم تئاتر و علاقه مند شدم بهش ! به امید خدا در آینده همه دوستان رو تک تک میشناسم و تو مطالبم معرفی می کنم . نمایش تیکه های طنز داره که به موقع استفاده شده و برعکس برخی تئاترها که سعی کردن با تیکه های جنسی و مسخره تماشاگر رو بخندونن در این نمایش تیکه کلام ها محدود و به موقع بود و این جای تشکر داره . گروه موسیقی (خواننده های زن و مرد) بودن که نمیدونم به چه زبونی میخواندن ولی باحال بود ، فقط من سعی می کردم لذت ببرم از صداشون هر چند فکر کنم یاد انیمیشن تن تن افتادم که اون خانومه با اون صداس شیشه رو شکست ! از اون صداهای اپرایی باحال بود که نمیفهمی چی میگه ولی ادای اینارو در میاری که میفهمی و خلاصه لذت بردیم . حتما قطعه زیر رو ببینید از یوتیوب هست از احساس من از صدای اپرایی قشنگ مطلع میشید (من خود کاپیتان هادوک هستم تو صحنه تئاتر) :

• LA ÓPERA INSPIRA

در کل دیدن این نمایش رو به دوستان توصیه می کنم خارج از بحث شوخی و مزاحی که داشتم می تونه این نمایش درس زندگی برای شما باشه ، دیدتون رو به دنیا و مردم تغییر بده و اگر توی عمق ماجرا برید خیلی از چیزهایی که براشون خودکشی می کنید توی بحث سیاست ، متوجه میشید که برعکسش هست و از اون طرف ماجرا هیچوقت برای شما ارزشی قائل نیستن ... بگذریم ... اگر نظری دارید خوشحال میشم در ادامه مطرح کنید ، حتما اگر دوستان صاحب نظری هستن که می تونن من رو راهنمایی کنن که نقد های بهتری بنویسم کمکم کنن که بتونم بهتر بنویسم . موفق باشید

• پانوش : من هنوز متوجه نشدم توی یونان باستان کت و شلوار کراوات چجوری مد شد ! یا سیگار برگ از کجا اومد ! عینک دودی ! ولی خوب فرض می کنیم که ما یک سفر در زمان داشتیم بعد برگشتیم توی نمایش خوبه ؟ یکی این چالش رو برای من توضیح بده واقعا !

نویسنده : محمد نصیری

منبع : جزیره سینما و تئاتر وب سایت توسینسو

هرگونه نشر و کپی برداری بدون ذکر منبع و نام نویسنده دارای اشکال اخلاقی است

مطلب اصلی